



۲ جنوری ۲۰۱۶

داکتر عبدالرحمن زمانی

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُنر

(قسمت دهم)

فکتور اوضاع سمت جنوبی در تصمیم استفاده از زور در سمت مشرقی

داکتر یوری تیخانف، محقق و استاد انستیتوت خاور شناسی اکادمی علوم روسیه، در اثر معروفش بنام *Politics of Great Powers in Afghanistan and Pukhtoon Tribes* (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان، و قبایل پشتون) که به استناد اسناد آرشیف شوروی تهیه و توسط آقای عزیز آریانفر به فارسی ترجمه شده است، در رابطه تصمیم استفاده از زور خاندان حاکم در سمت مشرقی از فکتور اوضاع سمت جنوبی و ترس از قیام سرتاسری اقوام پشتون هر دو طرف خط دیورند نیز یادآور شده است. تیخانف در فصل چهل و یکم، تحت عنوان خیزش قبایل پشتون و ناکامی رایش سوم^۱ در بهره برداری از آن، نخست از عوامل و تاریخچه قیام زمرک خان جدران یادآور میشود. چون علت آن قیام و برخورد حکومت خاندانی با آن شباهت های زیادی با قیام صافی های کُنر سمت مشرقی دارد، درین جا برای معلومات بیشتر خوانندگان محترم خلاصه آن را نقل میکنیم. تیخانف مینویسد:

«قیام های ضد دولتی و ضد بریتانیایی قبایل پشتون ناگزیر بودند. برای همه باشندگان عادی افغان، جنگ [جهانی] به آزمون سخت زمان مبدل گردیده بود. در این سال ها قیمت های خوار بار و کالاهای مورد نیاز اولیه به شمول پارچه ها به شدن افزایش یافتند. مگر، حکومت افغانستان هیچ چیزی برای بهبود بخشیدن به وضعیت نکبتبار اتباع خود انجام نمی داد. برعکس، تقریباً همه حلقه های بالایی به شمول خود هاشم خان فعالانه در احتکار کالاهای کمیاب دست داشتند و از معاملات در بازار سیاه چند درصد سود خالص به دست می آوردند. خاندان یحیی خیل برای بالا بردن درآمد خود در کشور، سیستم خرید اجباری خوار بار به قیمت های پیش از زمان جنگ را نافذ نمود که چند بار پایین تر از قیمت های بازار بودند^۲. به همین هدف، حکومت هاشم خان پیوسته مالیات طبیعی را بالا می برد و انحصارات دولتی جدید تری را بر کالاهای صادراتی افغانی که در بازارهای جهانی به آن ها تقاضا وجود داشت، وضع می نمود. سوء استفاده اعضای خاندان شاهی و کارمندان دولتی موجب ناخشنودی سراسری در میان مردم گردیده بود.

پشتون ها، مانند همه باشندگان افغانستان از «باج ستانی» های تاراجگرانه مالیاتی زیانمند می شدند. مگر چندی از سر ناگزیری با این وضع می ساختند. چون این امکان را داشتند تا با هم قبیله یی های خود از نوار «آزاد» [سرحد آزاد] به بازرگانی قاچاق پردازند. برای بسیاری از قبایل در سال ۱۹۴۳ به خاطر خشکسالی شدید این بازرگانی - یگانه امکان برای آن بود که از گرسنگی نمرند، چون حکومت افغانستان هیچ کاری برای کمک به باشندگان نادر و نژاد نمی کرد. سهل انگاری و بی تفاوتی جنایتکارانه و بز هکارانه حکومت کابل، به ویژه در متن اوضاع در نواحی شمال باختری هند بریتانیایی که همچنان از خشکسالی زیانمند شده بودند، مگر به یمن تدبیرهای روی دست گرفته شده از سوی حکومت

۱. رایش سوم به حکومت آلمان از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۴۵ گفته می شود. اصطلاح رایش در زبان آلمانی به معنای امپراتوری یا فرمانروایی است. رایش یکم به امپراتوری مقدس روم غربی، رایش دوم به حکومت پس از بیسمارک تا دوره جمهوری وایمار و رایش سوم به حکومت پس از جمهوری وایمار تا شکست آلمان در جنگ جهانی دوم گفته می شود. رهبری رایش سوم را آدولف هیتلر رهبر حزب نازی در دست داشت.

۲. یعنی اعمال حکومت؛ گندم، جو، جواری، کچالو و ... را از دهقانان، و چای، بوره، صابون و تیل ... را از بازرگانان به زور به بهای پایین خریده و سپس به بهای گزافی در بازار سیاه به فروش می رساندند. - مترجم (آریانفر).

د پانوی شمیره: له 1 تر8

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

انگلیس از دیدگاه خواربار کمبودی احساس نمی نمودند، آشکار و برجسته بود. پشتون های افغانی با فروش چوب و میوه های خشک در هند خود در نوار «آزاد» خوار بار می خریدند.

مگر، در ۱۹۴۳ همه تجارت چوب به انحصار دولت در آمد. این تدبیر ناروا موجب ناخشنودی شدیدی در میان قبایل پشتون باشنده نزدیکی شهر خوست گردید. در رابطه با این، زمستان ۱۹۴۳ در قبایل پشتون افغانستان جنوبی به گونه یی که یکی از اجنت های استخبارات شوروی در گزارش خود خاطر نشان ساخته بود، «جنبش ضد دولتی تقویت یافت که به خود خصلت سراسری توده یی گرفته بود». همان منبع به مسکو گزارش داد که قبایل «آزاد» نوار هند بریتانیایی در اواخر ۱۹۴۳ جرگه یی را فرا خواندند که در آن تهدید نمودند «هرگاه هاشم خان به مشکلات پدید آمده [با مواد غذایی] رسیدگی ننماید، همه پیوندها را با او بر هم بزنند».³

هاشم خان با برخوردن با تهدید خیزش سراسری پشتون ها، شاه محمود خان- وزیر حربیه را که در کشور از محبوبیت برخوردار بود و در گذشته بارها توانسته بود از راه های مسالمت آمیز به برخوردهای مسلحانه میان کابل و قبایل کوچی پایان ببخشد؛ در ماه نوامبر ۱۹۴۳ برای گفتگو با سران آن ها گسیل داشت. مگر، این سفر وزیر حربیه بی نتیجه پایان یافت، چون نمایندگان باشندگان استان های خاوری به یک زبان لغو انحصار دولتی بر تجارت چوب را خواستار بودند. شاه محمودخان با بازگشت به کابل، بی درنگ در باره «دستاوردهای» سفر خود به ظاهر شاه و هاشم خان گزارش داد. مگر، آن دو نتوانستند پیچیدگی اوضاع در نواحی جنوبی و خاوری کشور را درست ارزیابی نمایند و نخواستند در برابر پشتون ها عقب نشینی نمایند و به پیشواز خواست های آن ها بروند. هاشم خان با مشوره با شاه به آن بسنده کرد که از نام خود به رهبران قبایل مرزی نامه یی فرستاد با دعوت از آنان به کابل برای اشتراک در جرگه تا در آن همه مسایل متازع فیه را حل و فصل نمایند.⁴

فراخوان هاشم خان به گونه یی که رخدادهای بعدی نشان دادند، نتوانست قبایل پشتون را آرام بسازد. طی سالیان جنگ، سران قبایل بارها با ظاهر شاه و هاشم خان دیدار نموده بودند، مگر نتوانسته بودند خواهش های خود را بر آورده سازند. پشتون ها دیگر به حکومت افغانستان باور نداشتند. در اوایل ۱۹۴۴ در افغانستان جنوبی خیزش های نیرومند ضد دولتی آغاز گردید.

پیشاپیش همه وزیری های جنگجو به پا خاستند. آن ها در ماه دسامبر ۱۹۴۳ نمایندگان خود را برای گفتگو با هاشم خان به کابل فرستادند. مگر، چنانی که انتظار می رفت، این سفر بی نتیجه پایان یافت. آن گاه در ماه فیوروری ۱۹۴۴ کوهنشینان انبار های دولتی گندم را در ارگون به تاراج بردند.⁵ این اقدام آژیوری بود برای سر برداشتن قبایل همسایه. به دنبال وزیری ها، قبیله پر نفوس و خوب مسلح جدران به پا خاست که برای آن تجارت چوب با هند بریتانیایی یک پیشه سنتی به شمار می رفت.

در اوایل ماه فیوروری ۱۹۴۴ فرمانده دسته مرزی- تازه گل کوشید با تنی چند از سپاهیان ژاندارم یک کاروان را که چوب حمل می کرد، بگیرد. در روند تیر اندازی و آتشباری او چند سپاهی مرزبانی کشته شدند. روز دیگر، جنرال فیض محمد خان- فرمانده سپاه (قوماندان فرقه) ولایت جنوبی با سربازان پیاده نظام و توپخانه به محل حادثه آمد و از شورشیان خواست تا تفنگ های شان را به زمین بگذارند. با دریافت پاسخ رد، او آغاز به آتشباری بر روستاهای پشتون نشین با توپخانه نمود، که پس از چندی بدون رو به رو شدن با مقاومت به دست سپاهیان دولتی افتادند. بخش بزرگی از جدرن ها از ترس سرکوبگران [دولتی] به کوه های وزیرستان گریختند تا پنهان شوند. مگر، بسیاری از کوهنشینان از دهکده های خود بیرون نرفتند. سربازان فیض محمد خان با درآمدن در این دهکده ها، بی آن که به سنت های پشتون های قبیله یی و موازین شرعی بهایی بدهند، به رفتارهای ناروا دست یازیدند. بدرفتاری و کردادر ددمتشان سپاهیان دولتی، زمرک

3. بایگانی (ارشیف) سرویس استخبارات خارجی، پرونده (دوسیه) «قبایل»، جلد یکم، برگ ۲۴۶.

4. همان جا، برگ ۲۴۷.

5. گزارش زمان، تاریخی ۸ فیوروری ۱۹۴۴ بایگانی سرویس استخبارات خارجی، پرونده «قبایل»، جلد یکم، برگ ۲۴۷.

خان- رهبر قبیله جدران را وادار ساخت خیزش نیرومند مسلحانه را رهبری نماید که قبایل همسایه پشتون- منگل، تنی و صافی از آن پشتیبانی نمودند. شمار کل رزمندگان این قبایل به ده هزار جنگجو می رسید⁶. در نخستین نبردها با شورشیان، سپاهیان دولتی تلفات سنگینی دیدند و فیض محمد به گونه عاجل از کابل خواست تا نیروهای تقویتی بزرگی به کمک وی بفرستند.

به گونه یی که یکی از اجنت های استخبارات شوروی در محافل دولتی کابل گزارش داد، رسیدن پیک ها در باره اوضاع در ولایت جنوبی «تاثیر اندوهباری بر حکومت برجا گذاشت». ظاهرشاه برای بررسی و ارزیابی اوضاع پدید آمده به تاریخ ۱۲ فبروری ۱۹۴۴ بی درنگ نشستی را برگزار کرد که در آن برجسته ترین اعضای دولت افغانستان و خاندان شاهی حضور داشتند: هاشم خان - صدر اعظم، شاه محمودخان سپهسالار- وزیر حربیه، داود خان-فرمانده گارد شاهی و پادگان کابل، (قومانده قوای مرکز) و نعیم خان - معاون صدر اعظم

شاه محمود خان که بهتر از دیگران از اوضاع در گستره بود و باش قبایل پشتون آگاهی داشت، بر آن پافشاری داشت که حکومت تلاش ورزد تا از راه های مسالمت آمیز به خیز قبایل پشتون پایان بدهد. ظاهرشاه و هاشم خان آماده بودند با این پیشنهاد موافقت نمایند. مگر، داود خان سرسختانه و قاطعانه در برابر هرگونه گذشت و عقب نشینی در برابر خیزش کنندگان ایستاده و اعلام داشت که اقدامات ضد دولتی قبایل نایست بی پاسخ گذاشته شود و بایست به آنان سزا داده شود. او خواستار گسیل بی درنگ سپاهیان به خوست برای سرکوب خیزش گردید.

مشاجره میان شاه محمود خان و داود خان با پیروزی داود خان به پایان رسید. شاه و صدر اعظم با آن که چندان هوادار کارگیری از روش های سخت ابزاری نبودند، با آن هم تصمیم گرفتند شبشب سه هنگ [لوا] را با توپخانه و شش دستگاه نفربر زرهی به خوست گسیل دارند. عملیات عمومی سرکوبگرانه به دوش داود خان گذاشته شده بود. با آن که در عمل از سوی شاه محمودخان مجرب تر و محتاط گردانندگی می گردید.⁷

اقدامات ارتش منظم در برابر جدرانی ها و قبایل پشتیبان آن ها در دست همان گونه که شاه محمودخان پیش بینی می کرد، تنها خصومت پشتون ها را نسبت به کابل تقویت بخشید. آن ها سفربری (بسیج عمومی برای خدمت زیر درفش) اعلام شده در کشور را سبوتاژ کردند. افزون بر آن، خواستار تعویض خریدهای اجباری دولتی خواربار و کاهش مالیات گردیدند. شینواری ها، صافی ها، خوگیانی ها و تنی ها نمایندگان خود را نزد قبایل همسایه با پیشنهاد در باره اقدامات باهمی در برابر حکومت افغانستان گسیل داشتند. شاه محمود خان برای آن که جلو متحد شدن آن ها را بگیرد، به حکومت ولایت مشرقی فرمان داد همه اعضای هیات های این قبایل را دستگیر نمایند. مگر، چنین اقدامی از این هم بیشتر خشم پشتون ها را برانگیخت و شاه محمود ناگزیر گردید بازداشت شدگان را رها نماید.

شاه محمود خان که صلاحیت انجام گفتگو با سران قبایل را نداشت، به گونه عاجل به اطلاع هاشم خان رساند که سرکوب منازعه از راه های نظامی ناممکن است. چون دسته های پشتون ها از نظر شمار و سلاح های تیربار بارها از سپاهیان دولتی در جنوب افغانستان بیشتر است. هاشم خان در برابر تهدید گسترش قیام زمرک خان در اوایل ماه مارچ ۱۹۴۴ به شاه محمودخان رهنمود داد با سران قبایل پشتون گفتگوها در باره پایان دادن به درگیری ها را پیش ببرد. هاشم خان موافقت نمود دست به عقب نشینی های جدی بی در برابر قبایل بیازد: حکومت انحصار دولتی بر تجارت چوب را از میان برداشت. اجازه داد تا گندم را برابر با نرخ بازار آزاد خریداری نمایند و سرباز گیری از جمع پشتون ها را به خدمت زیر پرچم کاهش بدهند.

افزون براین، به شاه محمودخان از کابل چندین میلیون افغانی برای خرید سران قبایل فرستادند. شاه محمود به کمک این پول ها، کاهش دادن همه انواع مالیات که از کوچی ها گرفته می شد و سپردن تضمین مبنی بر این که کابل دست از

6. گزارش رزنت استخبارات شوروی در کابل، تاریخی ۲۶ فبروری ۱۹۴۴ همان جا، برگ ۲۵۰.

7. همان جا

د پانو شمیره: له 3 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

مداخله در امور قبایل بر خواهد داشت، توانست از خیزش سراسری ضد دولتی قبایل مرزی در بهار ۱۹۴۴ جلوگیری نماید.

کابل با به چنگ انداختن به دامان و عده ها و خرید سران قبایل، تلاش ورزید قیام زمرک خان را نیز فرو بخواباند. این بود که هیئتی نزد رهبر جدرانی ها فرستاده شد که به نمایندگی از شاه محمودخان به او و همه جنگجویان او و عده بخشایش و نیز پرداخت جبران خساره به خاطر عملیات سرکوبگرانه سپاهیان دولتی داد. همچنان به زمرک خان و عده سپرده شد که او کماکان رییس قبیله جدران خواهد ماند. مگر، زمرک خان از به زمین گذاشتن سلاح سر باز زد و اعلام داشت که: حکومت کنونی سزاوار هیچ اعتمادی نیست و از این خاطر نمی توان به عده های آن که بر فریب مردم استوار است، باور کرد و هیچ سودی ندارد. این حکومت خاین است که نه حیثیت و نه شرف و نه وجدان دارد و که دارایی های مردم خود را چپاول نموده و مطلقا در باره وضع شان نمی اندیشد».⁸

شاه محمود خان با به دست آوردن چنین پاسخی، روز دیگر به سپاهیان دستور داد تا با یورش به کوه المور- جایی که نیروهای اصلی جدران ها متمرکز بودند، آن را بگیرند. بامدادان نبرد سهمگینی میان شورشیان و سرکوبگران در گرفت. در این گیر و دار، لشکرهای منگل ها به یاری زمرک خان شتافتند و با مساعی باهمی هنگ [لوای] پیاده سپاهیان دولتی را درهم کوبیدند.

بیک پیروزی شورشیان به سرعت در میان قبایل باشنده پشتون دو سوی مرزهای هند و افغانستان پخش گردید. در این گیر و دار، قبیله سلیمانخیل پشتیبانی خود را از زمرک خان اعلام کرد. وزیری ها به شمول طایفه مادا خیل از وزیرستان شمالی هند بریتانیایی به زمرک خان پیوستند. همچنان قبایل باشنده نواحی تنی و دره گی نیز. شمار کل لشکرهای قبایل شورشی از ۱۸۰ هزار رزمنده بیشتر شده بود.

هر آن، قبایل دیگر مرزی از نوار «آزاد» هند بریتانیایی می توانستند به زمرک خان بپیوندند. این بود که وزیری ها و مسعودهای وزیرستان جرگه یی را فرا خواندند برای آن که مسئله قیام مسلحانه باهمی در برابر حکومت افغانستان را حل نمایند. تنها تهدید حکومت بریتانیا مبنی بر آن که بی درنگ بمباران روستاهای وزیرستان را آغاز خواهند نمود، این قبایل را وادار گردانید از کمک به جدران ها سر باز بزنند.

اوضاع در افغانستان از این هم بیشتر بحرانی گردید: خیزش ضد دولتی قبایل پشتون تهدید به آن می نمود به قیام سراسری باشندگان افغانستان در برابر خاندان یحیی خیل مبدل گردد. تاجیک های گردیز آماده بودند به زمرک خان بپیوندند. اوضاع انفجار آمیز در هزار [ستان-مترجم] و شمال افغانستان پدید آمده بود.

در این میان، هوادارن امان الله خان- شاه سرنگون شده با بهره گیری از اوضاع بحرانی بار دیگر دست به اسلحه بردند. در ماه های اپریل- می ۱۹۴۴ امانیست ها به رهبری غلام محمد خان با پشتیبانی شینواری ها و افریدی ها لشکر ده هزار نفری یی را آراستند. مگر، در چند نبرد سپاهیان دولتی توانستند دسته غلام محمد خان را درهم بکوبند.⁹

خیزش های مستقلانه امانیست ها با شکست رو به رو شد. از این رو، آن ها به زمرک خان پیوستند که با خوشرویی آنان را پذیرا گردید. هاشم خان که از دامنه یابی بحران سیاسی داخلی نگران گردیده بود، فرمان داد بی درنگ به ناحیه خوست از گردیز دو لشکر و دوازده فروند هواپیمای جنگی را بفرستد. در کابل، درک می کردند که این نیروها شاید برای سرکوب شورش بسنده نباشد. از این رو، در کشور اعلام بسیج (سفربری) سراسری شد.

هاشم خان با توجه به پیشینه یورش های قبایل پشتون به سوی پایتخت در گذشته، دستور داد یگان های تازه آرایش یافته را در سنگرهای پیرامون کابل مستقر سازند. او، هچنان به شاه محمود خان دستور داد بی درنگ به دسته های زمرک

8. گزارش رزدنتوری کابل، زیر نام « اوضاع در جنوب» تاریخی ۲۱ می ۱۹۴۴ همان جا، برگ ۲۵۲.

9. گزارش اطلاعاتی از کابل، (ماه می ۱۹۴۴)، // همان جا، برگ ۲۶۲.

د پانو شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

خان پورش بیرد. شاه محمود خان هم در این راستا نیروهای چشمگیری را در ارگون، گردیز و خوست برای حمله بر جدران ها به میدان آورد. در ماه اپریل ۱۹۴۴ نیروی هوایی شاهی آغاز به بمباران دهکده های این قبیله نمود. شاه محمود خان در آغاز نمودن عملیات های رزمی گستره شتاب نمی ورزید. چون در روند نخستین نبردها با جدران ها روشن گردید که سربازان افغانی نمی خواهند در برابر هم میهنان خود برزنند. همچنان این خطر وجود داشت که قبایل وزیرستان هر چه هست، شاید با زمرک خان یکجا شوند. از این رو، حکومت افغانستان جنرال پیر محمد خان را با مبلغ هنگفت پول برای خرید سران وزیری ها به وزیرستان گسیل داشت.

او، در گام نخست کوشید به یاری دادن رشوه به میزان یک میلیون افغانی از رهبر با نفوذ وزیری ها- زنگی خان او را متقاعد به بیرون راندن رئیس جدران ها از سرزمین خود سازد. مگر زنگی خان سرفرازانه پاسخ رد داد که: «به خاطر پول حاضر نیست عزت و آبروی خود را جریحه دار سازد و بریزد و دست به خیانت و بی آبروگی بیزد»¹⁰. آن گاه پیر محمد خان به او دو میلیون افغانی پیشنهاد کرد. مگر باز هم پاسخ رد دریافت. حکومت افغانستان هیچ گاهی به خاطر کدامین شورش چینی مبالغه گزافی را پیشنهاد نکرده بود.

این نخستین بار بود که مشی خاندان شاهی با چنین نکوهش و سرزنش سراسری رو به رو گردیده بود. حتا روحانیون و سران قبایلی که در گذشته با حکومت روابط دوستانه بی داشتند، از کمک به آن در سرکوب ولایات جنوبی و مشرقی سر باز زدند. برای مثال، وزارت خارجه افغانستان نمایندگان خود را برای انجام گفتگوها با فقیر ایبی که همواره به حکومت هاشم خان حسن نظر داشت، به وزیرستان شمالی گسیل داشت. جانب افغانی از فقیر ایبی خواهش کرد تا پسران زمرک خان را گروگان بگیرد. روشن است فرستادگان کابل آماده بودند سخاورزانه در ازای این خدمت پاداش بدهند. مگر فقیر از گروگانگیری پسران رهبر جدرانی ها سر باز زد.¹¹

هاشم خان با کوشش برای جلوگیری از متحد شدن پشتون های قیام کننده جنوب افغانستان با قبایل وزیرستان، به حکومت هند بریتانیایی رو آورد با این خواهش که وزیرها را وادار سازد از کمک به زمرک خان پرهیز نمایند. سفارت انگلیس در کابل به نمایندگی از حکومت خود به هاشم خان وعده سپرد که قبایل نوار «آزاد» به جدران ها کمک نخواهد کرد.¹²

بریتانیای کبیر دست به این کار زد. چون می خواست حکومت هوادار انگلیس هاشم خان را در کابل بر سر اقتدار نگهدارد. اسکوائر- سفیر انگلیس در کابل، در یکی از دیدارهای خود با باکولین- سفیر شوروی در کابل، در ماه جولای ۱۹۴۴ به گونه نسبتاً دقیق اوضاع پدید آمده در مرزهای هند و افغانستان را در نتیجه قیام زمرک خان پرداز نمود: «کنون در میان قبایلی ها دو چهره دیده می شود: زمرک خان در افغانستان و فقیر ایبی در هند. فقیر در برابر حکومت انگلیس می رزد و زمرک خان در برابر حکومت افغانستان مبارزه می کند. فقیر و زمرک می توانند در مبارزه در برابر حکومت افغانستان همدست شوند و آن گاه است که قبایل نیرومند تر از سپاهیان دولتی خواهند گردید. زور قبایل به همه روشن است. نادر شاه با همین زور بچه سقاء را برانداخت. این که امان الله نتوانست بر تخت بماند، دلیل آن تنها این بود که قبایل در برابر او دست به شورش زده بودند».

10. گزارش رزدنتوری کابل، زیر نام «اوضاع در جنوب» تاریخی ۲۲ جون ۱۹۴۴ همان جا، برگ ۲۸۱.

11. بایگنی سرویس استخبارات خارجی، پرونده شماره ۳۱۲۵۱، «قبایل افغانستان»، برگ ۶۵.

12. در این جا، برخورد دوگانه انگلیسی ها با مساله مداخلات قبایل پشتون آن سوی خط دیورند در امور داخلی افغانستان به روشنی دیده می شود. در دوره امان الله خان (که مخالف سیاست های بریتانیا بود)، انگلیسی ها نه تنها جلو سرازیری جنگجویان قبایل پشتون هند بریتانیایی و مخالفان امان الله خان را به خاک افغانستان برای اشتراک در جنگ های داخلی کشور نگرفتند، بل نیز از دادن هیچگونه کمک به آنان و تشویق و ترغیب پنهان و آشکار شان برای سرنگونی امان الله خان دریغ نکردند، تا این که او را بر انداختند- مترجم.

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

استاندار ایالت مرزی شمال باختری هند برای نجات حکومت هوادار انگلیس هاشم خان، سران قبایل وزیرستان را به شهر بنو فرا خواند و با تهدید و تطمیع آن ها را وادار گردانید عدم مداخله قبایل خود را در رخدادهای افغانستان تضمین بدهند. مگر، با این هم، وزیری ها هر چه بود، به خانواده های جدرانی ها در گستره خود پناه دادند.

حکومت افغانستان با تجرید قبایل شورشی جنوب افغانستان از هم تباران شان در هند، از پرداخت پول و خرید برخی از رهبران رسوخمند جدران و از درز اندازی در اردوگاه شورشیان صرفه نمی کرد. در همین راستا برای درز اندازی در اردوگاه شورشیان، میرو خان و محمد سرور که از سوی شاه محمود خان خریده شده بودند، دسته یی را متشکل بر یک هزار جنگجو گرد آوردند و بر نیروهای زممرک خان تاختند. هر چه بود این تدبیر کارگر افتاد و زممرک خان که خواهان جنگ برادر کشی با همقبیله یی های خود نبود، در ماه اپریل ۱۹۴۴ به وزیرستان رفت.

پس از رفتن او، جدرانی ها هیئت خود را برای آشتی با حکومت به خوست فرستادند. مگر، دولت همه را پیمان شکنانه گرفتار و بازداشت کرد. حکومت افغانستان با زیر پا گذاشتن همه وعده های خود با دستگیر نمودن شمار بسیاری از هواداران زممرک خان، آغاز به اختناق در میان جدران ها نمود. رهبری افغانستان در ماه جون ۱۹۴۴ اعلام نمود شورش را سرکوب نموده و در هم کوبیده است.

با این هم، در عمل وضع در نواحی هم مرز با وزیرستان بحرانی مانده بود. چون جدران ها که از رفتار حکومت افغانستان برآشفته و خشمگین شده بودند، برآن شدند تا خیزش تازه یی را برپا نمایند. از این رو، در ماه جون ۱۹۴۴ حکومت افغانستان تلاش ورزید رهبر جدران ها را که از سر احتیاط، موافقت خود را با دیدار رویاروی با شاه محمودخان در دامنه کوه المر (Almar) ابراز داشته بود، بکشد.

هنگامی که رهبر قبیله شورشی با رزمندگان خویش در موعد قرار گذاشته شده برای گفتگو با شاه محمود خان فرود آمدند، سربازان افغانی به دستور وزیر حربیه رگباری از آتش تیربار را به روی زممرک خان و همراهان او گشودند. در نبردی که در گرفت، پیروزی با جدرانی ها بود. آن ها با آن که تلفات سنگینی هم دادند، پنجصد میل تفنگ و سه دستگاه تیربار را «غنیمت» گرفتند. شاه محمود با این رفتار خود، اوضاع در گستره قبایل پشتون را از آن چه بود، هم بیشتر پیچیده تر ساخت. روحانیون مسلمان افغانستان، که از چنین برخورد محیلانه دولت بر آشفته و خشمگین شده بودند، آشکارا در پذیرفتن «هدایای» پادشاه خود داری ورزیدند و از اصدار فتوا در برابر شورشیان سر باز زدند.¹³

شاه محمود خان که در تجرید خصمانه از سوی همه لایه های باشندگان بومی قرار گرفته بود، ناگزیر بود برای ترساندن قبایل مرزی دست به خشن ترین تدبیرها بیازد. روی این منظور، نیروی هوایی دژ تسخیر ناپذیر و دست نیافتنی زممرک خان را با خاک یکسان کرد و رحمی هم به بیست باب خانه تحکیم کاری شده هواداران او نکرد.

همزمان با این، سپاهیان دولتی بر مواضع جدرانی ها یورش بردند. مگر در نخستین نبرد سربازان دولتی از تیر اندازی به سوی شورشیان خود داری نمودند و اعلام کردند که «در برابر [برادران] مسلمان خود جنگ نخواهند کرد».¹⁴ این گونه، حکومت هاشم خان نه تنها نتوانست نیروهای اصلی شورشیان را در هم بکوبد، بل نیز با خطر شورش در ارتش هم رو به رو گردید.

در میانه های جون ۱۹۴۴ پیکی به کابل رسید مبنی بر این که وزیری های نوار «آزاد» به رغم همه تهدیدات حکومت بریتانیا با زممرک خان به تفاهم رسیده اند که بی درنگ پس از برداشت حاصلات همراه با جدران ها در برابر حکومت افغانستان به جنگ بپردازند. برای این مقصد زنگی خان- داماد رهبر شورشی ها آغاز به گفتگو با مسعودها نمود. در ولایت جنوبی هر آن می توانست قیام قبیله صافی آغاز گردد. در این اوضاع خطرناک، رهبری افغانستان بار دیگر

13. یادداشت صورت مجلس دیدار باکولین- سفیر شوروی در کابل با اسکواپر- سفیر انگلیس، تاریخی ۲۷ جولای ۱۹۴۴/ بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند و ۷۱، ۱۹۴۴، پرونده ویژه ۲۶، کارتن ۲۰۶، پوشه ۵، برگ ۴۷.

14. بایگانی سرویس استخبارات خارجی، پرونده «قبایل»، جلد یکم، برگ ۲۵۹.

تلاش ورزید تا زمرک خان را به دام بیندازد: به او وعده داده شد هرگاه او اسلحه خود را به زمین بگذارد، همه دارایی ها و زمین هایش را به او باز بگردانند. مگر زمرک خان فریب این دام را نخورد.

سراسر تابستان ۱۹۴۴ حکومت هاشم خان به تقویت سپاهیان در افغانستان جنوبی می پرداخت و میلیون ها افغانی برای خرید سران قبایل هزینه می کرد. کابل به زور «زر» بار دیگر توانست بخشی از سران جدران را به سوی خود بکشاند که ظاهر شاه به تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۴ برای آن ها در کاخ خود (ارگ شاهی) پذیرایی باشکوهی برپا نمود. برای آن آشتی به گونه نهایی با قبایل ولایت مشرقی، حکومت افغانستان دست به عقب نشینی های چشمگیری زد:

- 1- انحصار دولتی بر تجارت چوب که منبع مهم درآمد قبایل مرزی شمرده می شد، لغو گردید.
- 2- کابل تضمین داد که مالیات بر پایه قیمت های بازار گرفته خواهد شد.
- 3- به جدرانی ها این امتیاز داده شد که از جنگجویان خود دسته های شبه نظامی (ملیشای) قبیله بی تشکیل دهند که هزینه نگهداری آن را حکومت بپردازد.¹⁵

این تدبیرها کمک نمودند تا بخش شایان توجهی از تیره های جدران را با هم آشتی داد و آنان را از زمرک خان جدا ساخت. مگر، وزیری های نوار «آزاد» به پشتیبانی از او ادامه دادند. چیزی که هاشم خان را ناگزیر ساخت برای کمک بار دیگر به انگلیس که در جستجوی دستاویزی برای تسویه حساب با دشمن دیرین خود بود، رو بیاورد.

به خواهش حکومت افغانستان، نیروی هوایی بریتانیا همه روستاهایی را که رهبر جدرانی ها می توانست در آن پنهان شده باشد، در وزیرستان بمباران کرد. استاندار ایالت مرزی شمال باختری به وزیری ها در باره پروازهای هواپیماهای جنگی بر فراز روستاهای آن ها هشدار داد. فرماندهی انگلیس، برای موثریت بیشتر ضربات هواپیماهای بمب افکن عملیات های خود را با ستاد کل نیروهای مسلح افغانستان هماهنگ گردانید.¹⁶

آن ها با مساعی باهمی زمرک خان را وادار ساختند برای چندی از پویایی ها در میان قبایل وزیرستان شمالی دست بردارد که در نتیجه آن اوضاع در دسامبر ۱۹۴۴ با ثبات گردید.

هاشم خان و «حواریون» او می دانستند: دلایل اصلی بی که جدران ها و قبایل متحد آن ها را وادار به شورش نموده بودند، رفع نشده اند. از این رو، کمبود خوار بار و مالیات کمرشکن بی چون و چرا در بهار ۱۹۴۵ می توانست رویارویی مسلحانه تازه بی را میان پشتون ها و کابل برانگیزد. مگر ظاهر شاه زیر فشار گروه سیاستمداران «جوان» به رهبری داود خان، به کاربرد زور گرانید. داود خان می خواست از بینوایی و ناداری پشتون های شرقی برای آن بهره برداری نماید که طی موعدهای کوتاهی قبایل رام ناشدنی پشتون جنوبی را تابع حکومت مرکزی بسازد.

هاشم خان و شاه محمود خان که سیاستمداران مجربی بودند، خطرناک بودن این مشی را نیک می دانستند. مگر، ناگزیر بودند از فرمان شاه اطاعت کنند. راستش، هاشم خان که خست و حرص و طمع او در سراسر کشور بنام بود، تلاش چندانی هم به خرج نداد قاطعانه در برابر داود خان ایستادگی نماید. زیرا لغو انحصار بر تجارت چوب و کاهش دادن مالیات بر درآمد شخصی او زیان بزرگی را وارد می ساخت.

در اوایل ۱۹۴۵ کابل برای سرکوب مسلحانه پشتون ها آماده می شد: به جنوب افغانستان سپاهیان تازه نفس و هواپیماهای نیروی هوایی سوق گردید. افزون بر این، هاشم خان در ماه های فبروری-مارچ ۱۹۴۵ در جلال آباد شخصا گفتگوهایی

15. گزارش اجنتوری (نمایندگی) از کابل، تاریخی ۱۵ جون ۱۹۴۴ بایگانی سرویس استخبارات خارجی، پرونده «قبایل»، جلد یکم، برگ ۲۸۵.

16. گزارش اجنتوری از کابل، تاریخی ۸ سپتمبر ۱۹۴۴ بایگانی سرویس استخبارات خارجی، پرونده شماره ۳۱۲۵۲ «قبایل افغانستان»، برگ ۱۳۸.

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليولو مخکې په خيږ و لولئ

را با سران قبایل مشرقی انجام داد. توانمندی دیپلماتیک هاشم خان و خرید سرشناس ترین افراد در میان پشتون ها اجازه داد تا اندکی اوضاع را در گستره سرخورد بهبود ببخشد.¹⁷

راستش، هاشم خان نتوانست قبایل صافی و شینواری را با مشی آشتی خود همنا بسازد و با فرا رسیدن موسم گرما آن ها در برنامه داشتند دست به قیام بزنند. آن ها نیازی به داد و دهش های هاشم خان که حکومت او به رغم همه تضمین ها و قول هایی که داده بود، در دوره های خشکسالی نان مردم را به بهایی ناچیزی می ربود، نداشتند. افزون بر این؛ قبایل در برابر جلب آزموده ترین جنگاوران شان به خدمت سربازی اعتراض داشتند. چون این کار این امکان را از آنان می گرفت تا در برابر مشی تاراجگرانه حکومت مرکزی دست به مقاومت مسلحانه بزنند».

(ادامه دارد)

17 . یادداشت صورت مجلس سامیلسکی با اسکوایر، تاریخی ۶ دسمبر ۱۹۴۴ / بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۰۷۱، سال ۱۹۴۴، پرونده ویژه ۲۶، کارتن ۲۰۸، پوشه ۲، برگ ۸۲.

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ